

کارگردانی انگلیس در تجزیه بحرین از ایران

استعمار انگلیس پس از درک اهمیت استراتژیک منطقه خلیج فارس، همواره به دنبال ایجاد جای پای در این منطقه مهم بود و ایران را هدف قرار داد؛ زیرا ایران به عنوان کشوری باستانی و تنها «دولت - ملت» حاضر در صحنه خلیج فارس مانع رسیدن انگلیس به اهدافش بود؛ انگلیس نیز کوشید تا با اجرای پروژه ایران زدایی از منطقه و تجزیه کرانه‌های جنوبی خلیج فارس از ایران، پایگاههای موردنظر خود را ایجاد کند.

تشکیل امارات متحده عربی با کارگردانی انگلیس و جدایی بحرین از ایران، بخشی از برنامه لندن برای رسیدن به اهدافش در منطقه خلیج فارس بود. بحرین، اکنون کشوری مستقل و از اعضای سازمان ملل متحد است و ایران و ایرانیان برای استقلال و تمامیت ارضی این کشور احترام قائل‌اند. هدف این مقاله، بررسی نقش انگلیس در تجزیه بحرین از ایران است.

پرتال جامع علوم انسانی

واژگان کلیدی: خلیج فارس، ایران، انگلیس، بحرین.

... کرنول پیلی، بالیوز دولت انگلیس، که به اسم حمایت تجارت تبعه دولت متبوعه خود در بندر بوشهر اقامت داده، شب و روز اوقاتش مصروف است به اینکه اسباب فساد و اخلاقی در این بنادر و جزایر خلیج فارس برپا کند محض اجرای این مقاصد در اکثر از بنادر، وکیلی از جانب خود قرارداد داده است در هر سالی چند مرتبه خود و کسانش به تمام بنادر و جزایر ایران و بنادر عربستان می‌روند. اهالی این صفحات را گاهی به اظهار مهربانی و بخشش ساعت و تفنگ و طپانچه و ملبوس و غیره امیدوار داشته به اطاعت و انقیاد به دولت انگلیس راهنمایی می‌کنند. اگر کسی متابعت و پیروی آنها نکند به تهدیدات و بیم و کشتی‌های بخار او را می‌ترسانند. امتداد سیم تلگراف از هندوستان به بوشهر را در انتظار اعراب و غیره بزور تصرف این بنادر و خلیج [فارس] قراردادده است مثل آنکه بالصراحه به شیخ محمد حاکم بحرین نوشته است که چرا علم دولت ایران در بحرین افرشته می‌شود؟ چرا به مامورین دولت ایران آمیزش می‌کنند؟ مگر از قدرت دولت انگلیس غافل شده‌اید؟ یا سبب کشیدن سیم از هندوستان به بوشهر را نمی‌دانید؟... «میرزا سلیمان خان، مامور مقیم بحرین» (ظهیرنژاد ارشادی، ص ۱۹۹).

مقدمه

از زمانی که ناوگان نیروی دریایی انگلیس وارد خلیج فارس شد، ساکنان سواحل این دریا رنگ آسایش را ندیدند و هر روز به نوعی درگیر فتنه‌های کارگزاران انگلیس بودند و در این میان، هیچ یک از همسایگان به اندازه ایران از کارهای انگلیس متضرر نشد.

انگلیسی‌ها در طول تاریخ ثابت کرده‌اند که با هیچ ملتی دوست نیستند و همواره پیرو این جمله تاریخی یکی از سیاستمداران خود هستند که می‌گفت: ما دوستان و دشمنانی نداریم، دوستان و دشمنان ما را منافع ما تعیین می‌کند.

کشور مستقل بحرین، از کشورهای خلیج فارس است که با ایران زمین پیشینه تاریخی مشترک دارد، اما برنامه‌ریزی انگلیس سبب جدایی این کشور از ایران شد؛ البته این اقدام نه به منظور دوستی با بحرین که به دلیل تأمین منافع انگلیس بود و انگلیسی‌ها در سختگیری و زورگویی به اهالی بحرین آن قدر پیش رفتند که مردم بحرین در همان سالهای قبل از استقلال، علیه آنها دست به مبارزه زدند و موفق شدند چارلز بلگریو، مشاور انگلیسی شیخ بحرین، را برکنار کنند (زرین‌قلم، ص ۲۵۱).

هدف مقاله حاضر این است که با ارائه اسناد درباره نقش انگلیس در جدایی بحرین از ایران به کندوکاوی تاریخی بپردازد.

زمینه‌سازیه‌های انگلیس

پیشینه حاکمیت بی‌رقیب ایران بر بحرین بر هیچ پژوهشگری پوشیده نیست، چنانکه احمد فرامرزی، کارمند وزارت امور خارجه در ۲۲ شهریور ۱۳۱۳ در گزارشی درباره بحرین از قول یاقوت حموی می‌نویسد:

بحرین مستعمره نشین ایرانی نبوده، بلکه سکنه شهرها و دهات [آن]، ایرانی و زردشتی مذهب بوده‌اند و فقط برخی از قبایل عرب در صحاری آن به حال بدوات [بدو] سکونت داشته و حتی رئیس قبایل را که [به] قاعده خود عشایر تعیین می‌نمایند، دولت ایران تعیین می‌کرده است.^(۱)

همچنین میرزا حسین خان سپهسالار در روزگار تصدی سفارت ایران در اسلامبول در نامه‌ای به عالی پاشا، صدراعظم عثمانی، یادآور شد:

... مسقط و بحرین دو مکانی است که از هزاران سال قبل تاکنون متعلق به دولت علیه ایران بوده است و از دویست سال قبل الی حال چنین معمول است هر کس که در آنجا بزرگ و رئیس بوده ابتدا عریضه به دربار همایون شاهنشاه ایران مینوشته و فرمان ماموریت میخواستند آنوقت مستقل در امر حکومت میگردد و همچنین هر وقت مردم از او شکایت میکردند و به دربار ایران عارض میشدند دولت ایران آن شخص را معزول میکرد (زرین‌قلم، ص ۱۲۵).

بحرین پیش از آنکه براساس توافق رسمی ایران و انگلیس درباره مسائل خلیج فارس در ۱۹۷۱م مستقل شود، شاهد توطئه‌ها و زمینه‌سازیه‌های انگلیس برای مداخله در امور آنجا و جداسازی آن منطقه از ایران بود.

نخستین نشانه‌های چشمداشت انگلیس به بحرین در سخنان هنری ویلاگ، وزیر مختار انگلیس، در جریان مذاکره با دولتمردان ایرانی در مارس ۱۸۲۰ آشکار شد. هنگامی که وی از موافقت دولت ایران با واگذاری پایگاهی انگلیسی در کرانه‌های خلیج فارس ناامید شد، تهدید کرد که انگلیس، بحرین را اشغال خواهد کرد (موحد، ص ۴۵-۴۶).

شیخ عبدالله، شخص مقتدری که بیست و دو سال حاکم بحرین بود، از مداخله انگلیسی‌ها در امور بحرین ممانعت کرد و حاضر نشد از اطاعت دولت ایران سرپیچی کند و ضمن رد درخواستهای عباس پاشا فرستاده محمد پاشا، والی مصر، اعلام کرد: این جزایر متعلق به دولت ایران است، انگلیسی‌ها نیز مخالفان شیخ عبدالله را تحریک و با چند فروند کشتی به بحرین حمله کردند و در نتیجه شیخ عبدالله فرار کرد (۱۲۵۸ق/۱۸۴۲م) (زرین قلم، ص ۱۱۹).

اما از آنجا که محمد بن خلیفه، جانشین شیخ عبدالله، نیز به دولت ایران وفادار بود و بر اطاعت حکومت بحرین از دولت مرکزی ایران تأکید می‌کرد؛ سرنوشتی بهتر از شیخ عبدالله نداشت و انگلیسی‌ها به شیخ محمد فشار آوردند که بحرین را مستقل اعلام کند.

اسدالله میرزا، حاکم بوشهر، در نامه‌ای به وزارت امور خارجه به تشریح سخنان فرستاده شیخ بحرین پرداخت و به نقل از وی نوشت:

از هنگامی که بیرق ایران را ما برده‌ایم بحرین و خود را بسته و رعیت دولت علیه

ایران دانسته‌ایم، از آن سال تا به حال سفرای دولت انگلیس بنای بد سلوکی و بدرفتاری

را گذارده ما را اذیت و آزار می‌نمایند ... ما از آنها آسوده نیستیم و می‌خواهیم در ظل

حمایت ایران از اذیت ایشان ایمن باشیم. (ظهیرنژاد ارشادی، ص ۱۴۹).

هنگامی که محمدبن خلیفه، حاکم ایرانی بحرین، نگران افزایش مداخله‌های انگلیس در بحرین شد، در ۱۷ شعبان ۱۲۷۶ به نامه نگاری با میرزا سعید خان موتمن‌الملک، وزیر امور خارجه و سلطان مراد میرزا، حاکم فارس پرداخت و شخصی را به دربار ناصرالدین شاه فرستاد و پیشنهاد داد که قوای دولتی را برای دفع شر انگلیسی‌ها بفرستند (زرین‌قلم، ص ۱۲۴-۱۲۵).

بنا به گزارش کارگزاری فارس به وزارت امور خارجه در ۱۸ ربیع‌الثانی ۱۲۷۷ کماندار انگلیس با کشتی فاکلند راه افتاد و در بندر لنگه، کیش و دیگر کرانه‌های خلیج فارس، ساحل‌نشینان را تهدید کرد که از واگذاری هر گونه کشتی به قوای ایرانی راهی بحرین خودداری کنند (ظهیرنژاد ارشادی، ص ۱۳۰).

دولت ایران قشونی را با کشتیهای بادی به بحرین فرستاد، اما انگلیسی‌ها مانع ورود آنها به بحرین شدند و ضمن برانگیختن علی بن خلیفه، علیه برادرش، محمدبن خلیفه، موفق شدند شیخ محمد را تبعید کنند و دولت ایران هم نتوانست از وی حمایت کند؛ چون نیروی دریایی قوی نداشت و فقط در صحنه دیپلماسی اعتراض کرد. انگلیس که در آن زمان هنوز نمی‌توانست آشکارا حاکمیت ایران را بر بحرین زیر سوال ببرد، آن را تأیید کرد (فرهمند، ص ۱۴۲).

میرزا مهدی‌خان، منشی مهمام خارجه فارس، پیش از سرنگونی حاکم بحرین، در نامه ۱۸ شوال ۱۲۷۶ به وزارت امور خارجه درباره فعالیت‌های انگلیسی‌ها در

بحرین هشدار داده و آماده باش قوای ایران را برای رهسپار شدن به بحرین درخواست کرده بود:

این فقره یقین است که حضرات انگلیسی ها به هر قسم ممکن باشند، اعراب آن طرف را به آشوب و فتنه و فساد تحریک خواهند کرد و به سر بحرین خواهند کشانید و خود کنار خواهند کشید (ظهیرنژاد ارشادی، ص ۵۵).

انگلیس از ضعف نیروی دریایی ایران بسیار استفاده کرد و به مداخله روزافزون در امور بحرین پرداخت. درگیریهای ایران در انقلاب مشروطه و تحکیم حضور انگلیس در مناطق جنوبی ایران پس از انعقاد قرارداد ۱۹۰۷ م سبب شد تا انگلیسی‌ها حلقه محاصره بحرین را بیش از پیش تنگ کنند. آنها در ژوئیه ۱۹۱۱ قراردادی را به شیخ بحرین تحمیل کردند، مبنی بر آنکه: امتیاز نفت بدون اجازه انگلیس به کسی داده نشود و این قرارداد را در فوریه ۱۹۲۲ نیز تمدید کردند (زرین قلم، ص ۱۵۷). حوادث بحرین از بهار ۱۳۰۲ / رمضان ۱۳۴۱ شکل تازه‌ای به خود گرفت؛ زیرا انگلیسی‌ها از ابراز احساسات مردم بحرین به ایران نگران شدند و تصمیم گرفتند با اشغال نظامی بحرین به اقتدار و نفوذ ایران در بحرین پایان دهند؛ پس با مسلح کردن طوایف نجد و درگیر کردن ایشان با ایرانیان سیاست جدیدشان را عملی کردند (همان، ص ۱۷۱).

دولت ایران به ناچار در ۲۳ نوامبر ۱۹۲۷ / ۳۰ آبان ۱۳۰۶ نامه‌ای را به امضای مهدی قلی هدایت، نخست‌وزیر ایران، به جامعه ملل تقدیم و از اقدامات انگلیس در نقض حاکمیت ایران بر بحرین شکایت کرد (همان، ص ۱۹۰).

با این حال انگلیسی‌ها همچنان برای تحکیم موقعیت خود و تضعیف ایران در بحرین می‌کوشیدند و کار را به جایی رساندند که مسافرت ایرانیان را به بحرین ممنوع و املاک موروثی و تاریخی ایرانیان بحرین را توقیف یا به زور خریداری کردند. یکی از بازرگانان شیراز به نام عبدالحسین کریمی در ۱۱ دی ۱۳۲۰ نامه‌ای در این باره به ذکاءالملک فروغی، نخست‌وزیر ایران، نوشت که حاوی اطلاعات جالبی در مورد کارهای ضد ایرانی در بحرین است:

... جناب آقای نخست وزیر سوال ما ایرانیان مینی براین است که به چه واسطه اهالی هند و عراق و مصر و کویت و دبی و عمان و رعایای خاک حجاز، بالاخره یعنی رعایای ابن السعود، تمامی حق مسافرت به بحرین دارند برای ایاب و ذهاب ولی ما ایرانیها حق ورود به بحرین نداریم.

جناب آقای نخست وزیر زمانی که کشتی آتشی از عراق یا هندوستان وارد لنگرگاه بحرین می‌شود، مسافران هند و عراق ذی حقد برای پیاده شدن به بحرین ولی ایرانی بدبخت که دارای علاقه به بحرین هستند ممکن پیاده شدن ندارند. آیا شرمساری نیست برای ما ایرانی‌ها [؟] آیا این بار ذلت تا کی ما به دوش بکشیم [؟] گواه این مدعی، خود جان نثار که قریب سی سال بل تجاوز در بحرین سکونت داشتیم و منزل شخصیم و اغلب دارائیم به دست مردم در بحرین موجود است و اغلب ایرانیهایی که از بحرین مسافرت به ایران نموده اند، ورقه‌هایی در دست داریم و دارند که در آن به زبان عربی ذکر شده است که دخول در بحرین ممنوع است، موجود.

به واسطه آنکه حکومت بحرین در چهار سال پیش آگهی صادر، مینی بر اینکه ایرانیان نباید دارای املاکی باشند جز منزل شخصی و به مدت یک سال املاک خود را به اهالی بحرین بفروشند و چنانچه نفروختند، خود حکومت بحرین به نظریه دو نفر اهل خبره املاکشان را خریداری می‌نماید. گواه این مدعی نه یک و نه دو، بلکه عده زیادی است که املاکشان به طور اجبار به موجب آگهی نام برده فروختند... (۲)

انگلیسی‌ها در همهٔ امور بحرین دخالت می‌کردند و برای شیخ بحرین مشاور سیاسی انگلیسی گمارده بودند که شیخ بدون مشورت با وی قدمی بر نمی‌داشت. همچنین گمرکات بحرین به انگلیسی دیگری واگذار شده بود و انگلیسی‌ها بودجهٔ آنجا را در دست گرفته و با گشایش شعبه‌ای از بانک استرن، درصدی از بودجهٔ نفت را به امور فرهنگی اختصاص داده بودند که پیش از آن در دست ایرانیان بود؛ آنها با این کار می‌خواستند به امور فرهنگی ضد ایرانی و پروژهٔ ایران‌زدایی از خلیج فارس بپردازند:

... این عملیات ظاهراً جنبه نوع دوستی و فرهنگی دارد ولی مقصود اصلی از آنها آن است که حس ایران‌خواهی را در مردم ضعیف کنند، تا در نتیجه، فاصله بین ایشان و کشور اصلی آنان ایران زیادتر شود و به مرور ایام رابطه خود را با هموطنان اصلی فراموش نمایند و خود را نسبت به ایرانیان بیگانه پندارند و در نتیجه این احوال بحرین نسبت به ایران و ایرانیان اجنبی و در حکم بیگانه قلم داد شود (نشأت، ص ۴۶۴).

مناقشه ایران و انگلیس دربارهٔ بحرین، به دنبال کشف نفت در این جزیره، جدی‌تر شد و ایران از انگلیس به جامعهٔ ملل شکایت کرد. از سویی ایران همواره و از هر راهی به کارهای انگلیس اعتراض داشت و بر حاکمیت خود بر بحرین تأکید می‌کرد؛ در اینجا به چند مورد اشاره می‌شود:

۱. شکایت ایران از انگلیس به «اتحادیهٔ پست بین‌المللی» در برن به دلیل انتشار تمبر در بحرین و تأکید بر لزوم استفاده از تمبر ایرانی در بحرین (سال ۱۳۲۸).

۲. سخنان دکتر علیقلی اردلان در آستانهٔ برگزاری نشست شورای عالی پیمان بغداد در تهران، مبنی بر آنکه: *ایران بحرین را به صورت یک حاکم نشین انگلیسی به رسمیت نمی‌شناسد و این منطقه جزء لایتجزای ایران محسوب می‌شود...* (سال ۱۳۳۵)

۳. اعتراض به قرارداد نفتی بحرین و عربستان با تأکید بر حاکمیت ایران بر بحرین (سال ۱۳۳۶) (ظهیرنژاد ارشادی، ص ۵۹، ۱۳۲، ۱۹۵).

آزار و اذیت ایرانیان مقیم بحرین به تحریک انگلیسی‌ها نیز تا زمان به استقلال رسیدن بحرین همچنان ادامه داشت تا جایی که ادارهٔ خلیج فارس در ۵ شهریور ۱۳۴۳ خبر می‌دهد:

عده‌ای از ایرانیان را بخاطر تکلم به زبان فارسی زندانی نموده‌اند و ترضیقات

آنقدر شدت یافته است که ایرانیان بحرین به ناچار ملیت خود را کتمان می‌کنند

(همان، ص ۱۵۶).

دولت ایران به هر بهانه‌ای بر حاکمیت خود بر بحرین تأکید می‌کرد و انگلیس نیز به رد آن می‌پرداخت. سرانجام، این مناقشه پس از سالها به دنبال

توافق ایران و انگلیس مبنی بر تخلیه خلیج فارس از قوای انگلیسی و حکمیت شورای امنیت سازمان ملل متحد درباره بحرین، با استقلال بحرین در ۱۹۷۱م پایان یافت، اما دخالت‌های انگلیس به پایان نرسید؛ به گونه‌ای که رادیو لندن حکم شورای امنیت سازمان ملل را درباره استقلال بحرین به عنوان یک «کشور مستقل» تحریف کرد و از آن به عنوان یک «کشور مستقل عربی» نام برد^(۳) تا در جهت اجرای پروژه تاریخی خود؛ یعنی ایران‌زدایی از خلیج فارس گام دیگری بردارد.

در مقاله حاضر، ده عنوان از اسنادی معرفی می‌شود که به نوعی به موضوع یاد شده می‌پردازد و با افشای واقعیتهای تاریخی دریای پارس، نقش انگلیس را در تحولات منطقه آشکار می‌کند.

معرفی اسناد

سند شماره (۱) نامه محرمانه امیر لشکر آیرم، رئیس کل تشکیلات نظمیه مملکتی، به وزارت امور خارجه است^(۴) که به تلگراف رمز ۱۰ اردیبهشت ۱۳۱۲ نظمیه بوشهر (سند شماره ۲) درباره اقدام انگلیسی‌ها در اخراج ایرانیان از کار در بحرین، اشاره می‌کند.

تلگراف نظمیه بوشهر گزارش می‌دهد:

... حکم صادر نموده‌اند به اداره نفت بحرین که آنچه از رعایای ایرانی

مستخدم هستند آنها را خارج بنمایید. و علت خارج نمودن را هم به آنها بگویید

که ما هیچ وقت حاضر نخواهیم شد به رعایای اجنبی شغل بدهیم - چنانچه از تابعیت ایران خارج شوید می‌توانیم در تمام اوقات به شما مساعدت نموده و کار بدهیم... (۵)

اسناد (۳) و (۴) نیز دو مورد از گزارشهای روزنامه‌های آن روز دنیا درباره اقدام دیپلماتیک ایران برای اثبات حق مالکیت خود بر بحرین و برخورد انگلیس با این اقدام است. سند شماره (۳)، گزارش ۱۶ مرداد ۱۳۱۳ حمید سیاح، ژنرال کنسول ایران در بیروت، به وزارت امور خارجه است که در اشاره به مقاله روزنامه فلسطین، چاپ حیفا (۵ اوت ۱۹۳۴) می‌نویسد:

... چندی پیش حکومت ایران نسبت به امتیازی که برای استخراج نفت از معدن بحرین داده شده اعتراض شدیدی کرده و در دوازدهم ژوئیه منشی جامعه ملل اعتراض مزبور را تسلیم دولت انگلستان نمود. دولت انگلیس اعتراض ایران را بر طبق مکاتبات و مراسلات دولت ایران در سالهای ۱۹۲۸ و ۱۹۲۹ بی‌مورد دانسته و... خود را محتاج به دلایل دیگری ندانسته بلکه جزایر بحرین را یک امارت مستقلی که به وسیله معاهدات مربوط به دولت انگلیس می‌باشد می‌شمارد... (۶)

احمد فرامرزی، کارمند وزارت امور خارجه، در مقاله جالبی درباره امور بحرین به استدلالهای سست انگلیس در زمینه حقوق خود براساس قرارداد با شیوخ منطقه، این گونه پاسخ می‌دهد:

آیا اگر کسی با نوکر و مباشر ملک صاحب ملکسی قراردادی ببندد که به موجب آن، مباشر یا نوکر حقی برای آن شخص اجنبی در ملک قائل شود و

همان شخص بیگانه هم در مقابل حق مزبور حقوقی در ملک برای مباشر قائل شود، این قرارداد و تبانی که بدون اطلاع و رضایت صاحب حقیقی ملک صورت گرفته، خدشه‌ای به مالکیت صاحب ملک وارد می‌آورد؟ (فرهمنده، ص ۱۴۹).

سند شماره (۴) گزارشی از روزنامه تایمز لندن، در ۲۸ مه ۱۹۳۴ است که در پی طرح امتیاز استخراج نفت بحرین، به ادعای دوباره حاکمیت ایران بر بحرین اشاره کرده است و خبر از اعتراض دولت ایران به وزیر مختار آمریکا در تهران می‌دهد که از اقدام بی‌اجازه کمپانی استاندارد اویل کالیفرنیا در دریافت نفت بحرین شکایت می‌کند و درباره اعتراضهای ایران می‌نویسد:

... در ۲۶ نوامبر ۱۹۲۷ در زمان وزارتخارجه سر استن چمبرلن دولت ایران ادعای مالکیت و دارا بودن حق حاکمیت بر جزایر بحرین را نمود [تجدید نمود صحیح‌تر است] ولی وزیر خارجه بریتانیا در ضمن یادداشتی که در ۱۸ ژانویه ۱۹۲۸ به دولت ایران تسلیم داشت از شناختن این گونه حقوق برای ایران امتناع ورزیده. در دوم اوت ۱۹۲۸ یادداشت دیگری از طرف دولت ایران راجع به همین موضوع واصل گردید و در ۱۸ فوریه جواب آن را سراسن چمبرلن به دولت ایران داده است... (۷)

بی‌گمان، چمبرلن قرارداد ۳۱ اوت ۱۸۲۲ میان ویلیام بروس، نماینده مختار حکومت بمبئی و فرمانفرمای فارس را فراموش کرده بود که به موجب آن: جزایر بحرین همواره جزء لایفنگ ایران بوده و انگلیس را متعهد می‌ساخت که:

بحرینی‌ها را به موجب موافقتنامه ۱۸۲۰ از برافراشتن هر پرچمی که غیر از پرچم ایران باشد باز دارند و انگلیسیها هیچ نوع کمکی که موجب خود مختاری و خود سری آنها گردد درباره شان نمایند (نشات، ص ۲۵۱).

اسناد شماره (۵) تا (۸) چهار فقره از اسنادی است که بیانگر پیگیری ایران درباره مسئله بحرین و حساسیت نسبت به نشریات سازمانهای بین‌المللی در این زمینه است، به گونه‌ای که سند (۵) نامه ۲۸ آذر ۱۳۲۹ سفارت ایران در پاریس به وزارت امور خارجه است که از درج نام بحرین به عنوان متعلقات بریتانیا در بولتن تجارت خارجی سازمان اقتصادی همکاری اروپا شکایت کرده است و یادآور می‌شود که به دنبال اعتراض سفارت ایران در پاریس پاسخ مثبت این سازمان را دریافت کرده است.^(۸)

سند (۶) انعکاس مطلب یاد شده از سوی وزارت امور خارجه به دفتر مخصوص شاهنشاهی و نخست وزیری، ضمن اشاره به اقدام مشابه وزارت امور خارجه در این زمینه است:

... تلگرافاً به سفارت کبری شاهنشاهی در پاریس دستور داد که فوراً شرحی به دبیرخانه اتحادیه مزبور نوشته و نسبت به این عمل اعتراض و تذکر دهند که بحرین جزء لاینفک ایران است و همچنین به سفارت کبری ایران در آنکارا اشعار گردید از مقامات مربوط دولت ترکیه نسبت به ذکر نمودن بحرین جزء متعلقات انگلیس گله نمایند.^(۹)

سند (۷) نیز نمونه‌ای دیگر از حساسیت وزارتخانه‌های ایران درباره مسئله بحرین است تا جایی که وزارت پست و تلگراف و تلفن در اعتراض به بخشنامه ۷ نوامبر ۱۹۵۰ دفتر اتحاد بین‌المللی ژنو که در آن از بحرین به عنوان نقاط مستقل یاد شده بود، به نامه‌نگاری با دفتر مزبور پرداخت^(۱۰) و رونوشت آن را به وزارت امور خارجه فرستاد (سند شماره ۸).^(۱۱)

سند (۹) متن سخنرانی اردشیر زاهدی، وزیر امور خارجه، در جلسه علنی ۹ فروردین ۱۳۴۹ مجلس شورای ملی است که می‌کوشد دلایل تغییر سیاست دولت ایران را نسبت به بحرین تشریح کند و می‌گوید ایران برای حل و فصل موضوع از طریق برگزاری همه‌پرسی در بحرین آمادگی دارد و با حکمیت اوتانت، دبیرکل سازمان ملل، در این زمینه موافق است؛^(۱۲) البته با مطالعه این سند، دلایل موجهی برای تغییر سیاست ایران پیدا نمی‌شود؛ چرا که دولت ایران درقبال گذشت خود درباره موضوع بحرین، مابه‌ازاء مناسبی دریافت نکرد و در واقع دستگاه دیپلماسی ایران ضعف آشکاری را به نمایش گذاشت.

در سند (۱۰) تلگراف ۲۲ اردیبهشت ۱۳۴۹ وزارت امور خارجه به سفارت شاهنشاهی لندن در شکایت از عملکرد رادیو لندن است؛ زیرا این رادیو، رای صادره شورای امنیت سازمان ملل درباره بحرین را تحریف کرد و وزارت امور خارجه به سفارت ایران در لندن دستور داد تا مسئله را پیگیری کند، قطعنامه شورای امنیت، خواهان استقلال بحرین به عنوان یک کشور مستقل بود، اما رادیو لندن این خبر را به صورت یک کشور مستقل عربی تحریف کرد.^(۱۳)

سفارت ایران در لندن در تلگراف کشف رمز ۴ تیر ۱۳۴۹ به اردشیر زاهدی وزیر امور خارجه، مفاد مقاله‌ای را از روزنامه گاردین ابلاغ کرد که در آن به تشریح سیاست انگلیس در خروج از خلیج فارس پرداخته شده بود:

در واقع براساس مدارکی که در وزارت خارجه تهیه شده و اینک «سر آلک دوگلاس هیوم» سرگرم مطالعه آنها است، دولت جدید می‌تواند انتظار داشته باشد که مسئولیت اجرای سیاست دولت کارگری در مورد خروج نیروهای انگلیس را برگردن بگیرد. دلیل این امر ساده است. مهمترین کشورهای این منطقه نمی‌خواهند که ما در خلیج [فارس] بمانیم. نیروهای انگلیس در بحرین تعهدات دفاعی ما را نسبت به کویت انجام می‌دهد، وقتی که در سال آینده این تعهدات دفاعی سپری شود کویتی‌ها خواستار خروج انگلیس خواهند بود. عده کثیری از اهالی بحرین که نسبت به اهالی امارات متصلحه تحصیلات بیشتری دارند، معتقدند که ادامه حضور نیروهای انگلیس با هویت در حال رشد آنها در قبال دنیای عرب و پیشرفت سیاسی آنها ماینت خواهد داشت...

از این مهمتر آمریکاییان اینک آشکارا پشتیبانی خود را از سیاست ایران مبنی بر ایفای نقش برادر بزرگتر در این منطقه با مشورت و همکاری عربستان سعودی ابراز کرده‌اند. ایرانیها گفته‌اند که خواستار خروج انگلیس هستند و سعودی‌ها نیز که روابط خود را نه تنها با ایران بلکه با یمن جنوبی ترمیم کرده‌اند، مایل به ادامه حضور نیروهای انگلیس نمی‌باشند. (۱۴)*

* متن کامل مقاله گاردین در تشریح سیاست انگلیس در خروج از خلیج فارس، پیوست مقاله است.

در پایان چکیده‌ای از سخنرانی حساس شامورچی ساکلالوولا، نماینده مجلس عوام انگلیس، درباره حقانیت مالکیت ایران بر بحرین ارائه می‌شود که برای آشنایی بیشتر با ماهیت سیاست انگلیس در خلیج فارس آن هم به اعتراف یک انگلیسی در لباس نماینده مجلس، بسیار مهم است:

... برای اینکه نمایندگان از مطالب یک شرقی مظلوم و نحوه جواب وزارت امور خارجه انگلستان مطلع شوند، برخورد واجب دیدم مطلب را در پارلمان مطرح کنم. زیرا وزارت امور خارجه انگلستان در اختفای وقایعی که مربوط به این پیش آمد تجاوز کارانه و رویه گستاخانه و تائراور است اصرار می‌ورزد. کلیه مکاتباتی که بین دولتین ایران و انگلیس صورت گرفته، به این جهت مخفی می‌ماند که ادعای انگلستان مبنی بر بی انصافی است و نمی‌خواهد افق روشن را ببیند و تصدیق کند.

اگر دولت انگلستان این شهامت را داشته باشد که تمام مکاتبات اخیر خود را با دولت ایران منتشر کند و یا روی این تریبون ارائه دهد، آن وقت خواهیم دید موضوع از چه قرار است و مسائل را چگونه جلوه می‌دهند. این مذاکرات طوری است که وزارت امور خارجه بریتانیا هرگز قدرت ندارد با این گونه منطقی‌های سبک، آن را با یک دولت اروپایی مطرح کند و با این وضع گفتگو نماید.

پیش‌آمدهای دنیا نشان خواهد داد که اگر این موضوع بیش از این دنبال شود، نتایج و عواقب وخیم این طرز رفتار را به زودی خواهیم دید. از موقعی که در ماه مه ۱۹۲۷ بین دولتین بریتانیا و حجاز نامه‌ای منعقد شده است، بین

دولتین بریتانیا و ایران نسبت به حق مالکیت و فرمانروایی جزایر بحرین مجادلات قلمی و کشمکشهایی سیاسی تولید گردیده که کم کم موضوع به جاهای حساس رسیده است...

... هر شخص بی طرفی می‌تواند قضاوت کند که در مالکیت جزایر بحرین، حق به جانب ایران است یا انگلستان؟ ... در ترازوی عدل و انصاف، ادعای ایران سنگین تر به نظر می‌رسد. به علاوه، از نژاد سکنه هم پیدا است که از خون آسیایی و ایرانی به وجود آمده‌اند و همگی مردمی زحمت‌کش و چست و چالاک و با هوش می‌باشند و این خود از امتیازات کلی ایرانیان است...

... [پس از ذکر ادله ای بسیار در اثبات مالکیت ایران بر بحرین] اکنون دولت بریتانیا این گونه دلایل قوی را از نظر دور داشته و مدعی حکمرانی بحرین می‌باشد که این خود ناشی از مشی سیاست تاسف‌آور امپریالیستی و غرور و قدرت است، ولی ناچار روزی خواهد رسید و آن روز خیلی زود خواهد بود که تمام این دسایس زبردستانه، در جنگ یک مشرق بیدار و غضبناک، درمانده و عاجز شود.

پس از جنگ بین‌المللی، روبه ای که دولت بریتانیا پیش گرفته، فاقد مال‌اندیشی و دوربینی است و به ملاحظه همین تنزل اخلاقی که در سیاست بریتانیا نفوذ کرده، مردم شرق میانه و شرق دور و نزدیک از سیاستمداران بریتانیا به کلی سلب اعتماد کرده‌اند.

قدرت و تکبر و پیروزی بزرگی که نصیب انگلستان شده او را کر و کور نموده و اصولی را که در ابتدای جنگ عمومی برای وادار کردن ملتها به جنگ اظهار می‌داشت، یعنی دم از کلمات آزادی، عدالت، دموکراسی میزد، زیر پا گذاشته و بلعکس، در جهت برده کردن ملل ضعیف از راه محاصره اقتصادی و غارت ثروت آنها پیش می‌رود.

البته بحرین مرکز مروارید گرانبهاست و با این سیاست حریصانه که بریتانیا اختیار کرده، مایل نیست خود را راضی کند که از چنین شکاری دست بردارد، به این لحاظ می‌گوید شیخ بحرین یک حکمران آزاد است، اما اینها فقط حرف است. آن کسانی که از تنظیم «معاهده سور» و مشی سیاسی انگلیس به شدت نگران شده اند، خوب می‌دانند که حقیقت این حکمران آزاد و مستقل چیست؟ و دارای چه ارزشی نزد اعراب می‌باشد.

دولت بریتانیا همیشه از این افراد در ذخیره خود موجود دارد که در مواقع لزوم آنها را پادشاه آزاد و مستقل نماید. این گونه افراد در حقیقت غلام زر خرید و بنده واقعی وزارت امور خارجه بریتانیا محسوب می‌شوند و هر امری از لندن صادر گردید برای آنها در حکم قانون است.

مطلب دیگری هم هست که به موجب آن دولت بریتانیا نمی‌خواهد بحرین را تسلیم دولت ایران کند و آن این است که این جزیره در محل موقعیت استراتژیکی و نقل و انتقالات نظامی بریتانیا قرار گرفته و به منزله کلید و دروازه خلیج فارس شمرده می‌شود، زیرا از یک سو حمایت انگلستان بر سواحل عمان

محکم شده و از سوی دیگر بر کویت و قطر که دارای معاهدات خاصی است نفوذ خود را حفظ می‌کند.

بلی، اگر در عربستان یا شرق وسطی، آتش جنگ مشتعل شود، از نقطه نظر سوق‌الجیشی، جزایر بحرین برای دولت بریتانیا مرکز مهمی است و لذا در چنین وضعی تصدیق نمودن حقانیت دعوی ایران بر بحرین، برای دولت بریتانیا از مواد غیر قابل تحمل است و به عقیده من به واسطه همین یک مورد است که دولت بریتانیا مجبور به تردید در مالکیت ایران بر بحرین شده است (نشأت، ص ۴۸۰-۴۸۸).



پیوست مقاله

تلگراف کشف از لندن

به: تاریخ ۱۳۴۹/۴/۴

به: شماره ۸۷

جناب آقای اردشیر زاهدی

وزیر محترم امور خارجه

روزنامه گاردین در شماره امروز خود طی مقاله‌ای تحت عنوان

Tory Sleight of Gulf

می‌نویسد:

یکی از هنرهای سیاست این است که وانمود کنید برای اقدام خاصی خود را متعهد می‌دانید در حالی که مطلقاً قصد متعهد ساختن خود را ندارید و شاید هیچگونه اقدامی در این زمینه نکنید و یا حتی درست برخلاف آن عمل نمائید. اینک باید روشن شده باشد که مواعید قدیمی حزب محافظه‌کار مبنی بر اینکه حضور نظامی انگلیس در خلیج [فارس] را مستقر خواهد نمود بهمین وضع درآمده است.

آقای هیث در ظرف دو سال گذشته در بیان تعهد خود در مورد خلیج [فارس] کمال احتیاط را بکار می‌برد و می‌گفت (اگر دولت محافظه‌کار سرکار بیاید با دوستان خود در منطقه خلیج [فارس] راجع به آینده نیروهای نظامی انگلیس در این منطقه تبادل نظر خواهد کرد) بهر حال در نطقهای متعدد منجمله نطقی که آقای هیث شخصاً در دوره فعالیت‌های انتخاباتی ایراد کرد چنین اظهار شده است که دولت محافظه‌کار در خلیج [فارس] نیز مانند خاور دور در کنار دوستان و متعهدین خود خواهد ایستاد.

در واقع براساس مدارکی که در وزارت خارجه تهیه شده و اینک سرآلک دوگلاس هیوم سرگرم مطالعه آنها است دولت جدید می‌تواند انتظار داشته باشد که مسئولیت اجرای سیاست دولت کارگری در مورد خروج نیروهای انگلیس را بر گردن بگیرد.

دلیل این امر ساده است، مهمترین کشورهای این منطقه نمی‌خواهند که ما در خلیج بمانیم. نیروهای انگلیس در بحرین تعهدات دفاعی ما را نسبت به کویت انجام می‌دهد وقتی که در سال آینده این تعهدات دفاعی سپری شود کویتی‌ها خواستار خروج انگلیس خواهند بود. عده کثیری از اهالی بحرین که نسبت به اهالی امارات متصالحه تحصیلات بیشتری دارند معتقدند که ادامه حضور نیروهای انگلیس با هویت در حال رشد آنها در قبال دنیای عرب و پیشرفت سیاسی آنها ماینت خواهد داشت.

از این مهمتر آمریکائیان اینک آشکارا پشتیبانی خود را از سیاست ایران مبنی بر ایفای نقش برادر بزرگتر در این منطقه با مشورت و همکاری عربستان سعودی ابراز کرده‌اند. ایرانیها گفته‌اند که خواستار خروج نیروهای انگلیس هستند و سعودی‌ها نیز که روابط خود را نه تنها با ایران بلکه با یمن جنوبی ترمیم کرده‌اند مایل به ادامه حضور نیروهای انگلیس نمی‌باشند.

در این شرایط نظر و تمایلات امارات متصالحه در درجه دوم اهمیت قرار می‌گیرد... آینده امارات متصالحه بستگی زیاد به این امر خواهد داشت که آیا سرانجام به تشکیل فدراسیون یا کنفدراسیون امارات خلیج [فارس] توفیق خواهند یافت یا خیر. در اینجا باید متذکر گردید که بحرین خواستار سهم عمده‌ای در گروه‌بندی جدید می‌باشد نسبت به ادامه یا اعاده تعهدات انگلیس سردی نشان می‌دهد.

تعهدات خیالی حزب محافظه‌کار نسبت به نگاهداری نیروهای انگلیس موجب تزلزل خاطر بالنسبه زیادی در خلیج شده است. اینک که محافظه‌کاران بر سر کار آمده‌اند باید پس از تجدیدنظر در واقعیت خلیج [فارس] سیاست خود را در این مورد کاملاً روشن کنند. قرائن حاکی است که خوشبختانه سرآلک دوگلاس هیوم هم اکنون مشغول چنین تجدیدنظری است.

سند شماره ۱: ۹۹-۱۵۷/۳۳-۱۹-۱۳۱۲ش



تاریخ: ماه / ۱۳۱۲
شماره:

محرمانه

اداره:
دایره:
تک:

مقام وزارت جلدیه امور خارجه

سواد کشف تنگراف روز نظيه برهمنبر راجع بانه ابي که از طرف انگلیسها در خارج کردن اتباع دولت شاهنشاهی ازاداره نطق بحرین و سایر بلاد اریک و ... مستطت آنجا بسبب آمده است برای استحضار آن وزارت جلدیه لقا ایفاد میگردد -
رئیس کل تشکیلات نظيه سلطنتی - امیر لشکر - آتم

شوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

موضوع:
تاریخ: ۱۳۱۲/۳/۱۳

۲۴۰

لر اهل حق اولی
سر زینت الهی
دستار بیخبر کلمات
محمدرضا علی محمد
۱۳۱۲

سند شماره ۲: ۱۰۰-۱۵۷/۳۳-۱۹-۳۱۲ اش



وزارت داخله
تشکيلات کل تنظيمه معاملي

سواد اشرف ملوک فرانس در نظر مورخه ۱۰/۲/۱۲

نمبره ۹۱۱

بعد الغرض آن - مطابق طلب همسند بعد از آنکه ملکان ربيع بر سر لادن در بحرين دريگان، از پادشاه انگلیس
 ربيع ملکان - از این امر آشفته نموده و از این امر بیگانه گردیده و در این امر با شما مذاکره نموده
 بر لادن نفیست بخوبی بر آنچه در کار، از این عمل همسند این را فرج نماند - و علیه کونج نوران
 هم بر آنها مکرر کرده و بر حق خود ایستاده بر کار، حاضر شمع بر هم - چنانکه از بیعت است از این فرج شود
 علیه این در کام دره است بشان ملکان فرانس و کار بر هم - و عدله در شمع فرج نماند از این فرج شود
 عدله در ملکان و فرج در زخمیدار است در کونج بر هم - بانک - بلایه - عدله - نظمه - کرم -
 روغن - کام این در لادن است در کونج هم کونج در فرج - بانک - بلایه - عدله - نظمه - کرم -
 ۹- در زخم - ملکان ملکان ملکان

برگردان سند شماره ۲:

[نشان شیر و خورشید]

وزارت داخله

تشکیلات کل نظمیۀ مملکتی

سواد کشف تلگراف

رمز نظمیۀ بوشهر

مورخه ۱۲/۲/۱۰ [۱۳]

نمره: ۹۷

بعدهالعنوان - مطابق اطلاع واصله بعد از نشر اعلامین راجع به متولدین در بحرین از رعایای ایرانی، از آنجایی که این اعلان - ایرانیان را منتفر نموده و آنها نتوانسته‌اند جذب قلوب ایرانیان را بنمایند، لذا حکم صادر نموده‌اند به اداره نفت بحرین که آنچه از رعایای ایرانی مستخدم هستند آنها را خارج بنمایند و علت خارج نمودن را هم به آنها بگویند که ما هیچ وقت حاضر نخواهیم شد به رعایای اجنبی شغلی بدهیم - چنانچه از تبعیت ایران خارج شوید می‌توانیم در تمام اوقات به شما مساعدت نموده و کار بدهیم و عده [ای] که از شغل خارج نموده‌اند، بالغ بر هزار نفر می‌باشند. علاوه، ادارات داخلی شهر از قبیل اداره پست و تلگراف بی‌سیم - بانک - بلدیہ - عدلیہ - نظمیہ - بحریہ - اوقاف - تمام این اداره‌جات در

تحت حکم قونسولگری انگلیس خواهند بود - اینک مراتب را راپورتاً معروض داشت - ۹۷ یاور فاطمی - سواد مطابق با کشف رمز است.

[امضاء]



سند شماره ۳: ۱۰۵-۱۷-۵۳-۱۳۱۳ش



زوال تونسولکری دولت شاهنشاهی ایران

بیت - بتاريخ چهارم مرداد ۱۳۱۳

نوع سند: ضمیمه نظم روزنامه

موضوع: اعلام نظم روزنامه منظمی

مختم شیع وزارت جنبه امور خارجه .

روزنامه سنکی فلسطین چاپ حیفا در تاریخ ۵ اوت ۱۹۳۴ در تحت عنوان " انگلستان و ایران و جزایر بحرین " منتشر شد .

" چندی پیش حکمت ایران نسبت به امتیاز که برای استخراج نفت از مادن بحرین داده شده اعتراض شدید کرده و در دوازدهم ژوئیه منشی جامعه ملل اعتراض مزبور را به نام دولت انگلستان به دولت انگلیس اترافی ایران را بر طبق کتبات و مراسلات دولت ایران در ماههای هزار و پنصد و بیست و هشت و هزار و پنصد و بیست و نه بجاورد دانسته و سوادى از مراسلات مزبور را به سوی عضو جامعه ارسال داشت و با نامه چنین اظهار میدارد که پیش از ارائه کتبات مزبور خود را محتاج بذائق دیگری ندانسته بلکه جزایر بحرین را یکادارت مستقلی که بوسیله مداخلات مربوط دولت انگلیس میباشد بشمارد .

دعوی ایران که از چند سال پیش جامعه ملل تقدیم گشته تا کون دول عضو جامعه ملل اترافی ننموده و در سال هزار و پنصد و بیست و نه (۱۹۲۲) هنگام پیدایش نفت نیج بحرین امتیازی بشرکت (استاندارداویل) داده است . بر اثر اعطاء امتیاز مزبور ایران بجامه ملل اعتراضی قلمی داشته و چون خوبش را مالک جزایر بحرین میداند ادعای نظم های موجوده در آن را ننموده است " .
عین خبر لفا تقدیر میگردد .-

محمد علی میرزا
وزیر امور خارجه
۱۳۱۳
۲۴ مرداد
۱۳۱۳

۱۸۵۱
۱۳۱۳/۵/۲۴
۲۴ مرداد
۱۳۱۳

سند شماره ۴: ۴۱-۱۷-۵۳-۱۳۱۳ش



توجه: تریبون نامه تأیید لندن مورخه ۲۸ مه ۱۹۲۹

دعای ایران در خارج ناپسند امتیاز نفت بحرین مرقم مانده واقع شده است .

مخبر ما از طهران خبر میدهد .

مذاکراتیک اخیراً راجع به امتیازات برای استخراج نفت در جزایر بحرین (تحت الحمایه * دولت بریتانیا) بعمل آمده . دولت ایران را یادآور نموده است که امتیاز خود را سرحدی حاکمیت در جزایر مزبور تجدید نماید . اختلافاتی بدو دولت بریتانیا شده و پیشنهاد داده اند که امتیاز نفتی این جزایر را برای دولت طهران نیز تسلیم شده است . پیش بر اینکه چون امتیازات بحرین را که قبلاً استاندارد این ایدل کالونی بود در این اجازه رضایت دولت ایران تحصیل نموده شد . دولت مزبور بر رسمیت شناختن آن استماع میوزید .

تبعاً - در ۲۶ نوامبر ۱۹۲۷ در میان وزارت خارجه * سر استن جمبرلین - دولت ایران اندکای حاکمیت و اداری برین حق حاکمیت بر جزایر بحرین را سرحد ولی نیز خارجه * بریتانیا در ضمن یادداشتی که در ۱۸ ژانویه * ۱۹۲۸ بدو دولت ایران تسلیم داشت از شناختن اینگونه حقوق برای ایران استماع میوزید . در دوم ایت ۱۹۲۸ یادداشت دیگری از طرف دولت ایران راجع به همین موضوع واصل گردید و در ۱۸ دسامبر ۱۹۲۹ جواب آنرا سر استن جمبرلین بدو دولت ایران داده است و خلاصه * آن در شماره * دوم مارس ۱۹۳۰ تایید لندن درج شده است .

در ۲۶ اوت ۱۹۳۰ یادداشت دیگری در حد این بهمنابر دولت بریتانیا تسلیم شد و سستی بر اعتراض از اعضای امتیاز از طرف شیخ بحرین بیگ کهانی انگلیسی برای استخراج نفت در جزایر مزبور بود و از طرف وزیر امور خارجه * ایران بین اعشاء جامعه مثل توزیع کردن پسند تا آن حیث هم از اعتراضات ایران - مسبق بشود .

سند شماره ۵: ۶۹-۵۱-۴/۱۸-۱۳۲۹ش



مخاتره برای شاهنشاهی ایران
پاریس

شماره سند:
تاریخ: ۲۸ آذرماه ۱۳۲۹

وزارت امور خارجه

در پاسخ تلگرام شماره ۱۲۲۶ مورخ ۱۳۲۹/۹/۱۴ راجع به انتشار نام بحریین ضمن
متمعلقات انگلستان اشماریت اراد :

اتحاد به ای بنام " اتحاد به اقتصاد ی اروپا " وجود ندارد و یقینا منظور وزارت خارجه
سازمان اقتصادی همکاری اروپا Organization for European Economic Co-operation
بوده است . بر از تحقیق معلوم شد که مؤسسه نامبرده در بولتن تجارت خارجی مورخ
سپتامبر ۱۹۵۰ نام بحریین را ضمن متمعلقات بریتانیا ذکر کرده . بدین جهت بلافاصله تذکر
لازم داده شد . اینک رونوشت نامه اعتراضی این سفارت گیری و پاسخ مثبت سازمان مذکور برای
استحضار ضمیمه میگردد .

سفر کبیر ابوالحسن ابتهاج

.....
.....
.....

۴۸۲۹۱
۱۹۵۰/۱۰/۳

.....
.....

سند شماره ۶: ۵۹-۵۱-۱۸/۴-۱۳۲۹ش

شماره بایگانی
شماره پرونده
۱۱۸۹

وزارت امور خارجه

اداره اسناد و کتابخانه ملی

موضوع بایگویی
بوست
مستول بایگویی

تاریخ تحریر
تاریخ بایگویی
مستول بایگویی ۱۳

عنوان بایگویی
[Faint handwritten text and a large circular watermark seal are visible in this section.]

[Handwritten notes and signatures on the right margin.]

برگردان سند شماره ۶:

شماره بایگانی ۴۵۷۹۴ وزارت امور خارجه موضوع پانویس —

شماره _____ پیوست _____

پرونده _____ ۱۸۸۹ اداره شناسایی مسئول پانویس —

تاریخ تحریر ۲۹/۱۰/۷ تاریخ پانویس ۲۹/۱۰/۱۶ مسئول پانویس — ۱۳

عنوان پانویس دفتر مخصوص شاهنشاهی — نخست‌وزیری ...

چندی قبل از سفارت کبری شاهنشاهی در آنکارا گزارشی واصل شد دائر بر اینکه «سازمان اقتصادی همکاری اروپا» در بولتن تجارت خارجی خود نام جزیره بحرین را جزء متعلقات انگلستان ذکر نموده است. وزارت امور خارجه تلگرافاً به سفارت کبری شاهنشاهی در پاریس دستور داد که فوراً شرحی به دبیرخانه اتحادیه مزبور نوشته و نسبت به این عمل اعتراض و تذکر دهند که بحرین جزء لاینفک ایران است و همچنین به سفارت کبری ایران در آنکارا اشعار گردید از مقامات مربوطه دولت ترکیه نسبت به ذکر نمودن بحرین جزء متعلقات انگلیس گله نمایند. اینک طبق پاسخ واصله از سفارت کبری شاهنشاهی در پاریس به دبیرخانه سازمان مزبور اعتراض و تقاضای تصحیح اشتباه فوق‌الذکر را نموده‌اند.

رونوشت گزارش سفارت کبری شاهنشاهی در پاریس متضمن رونوشت نامه اعتراضیه آن سفارت کبری و پاسخ دبیرخانه سازمان مزبور جهت مزید استحضار به پیوست تقدیم می‌شود.

وزیر امور خارجه

[حاشیه سند: سمت راست، بالای صفحه]: پیوست: رونوشت شماره ۳۰۱۷ سفارت کبری پاریس و رونوشت ضmann آن.

سند شماره ۷: ۴۸-۵۱-۴-۱۸-۱۳۲۹ اش

شماره ۶۲۰۵ / ۶۱
۱۳۲۹ / ۹ / ۱۱



وزارت پست و تلگراف و تلفن

وزارت امور خارجه

رو نوشت بخشنامه شماره ۶۳۴ مورخ ۷ نوامبر ۱۹۵۰
دفتر اتحاد بین المللی زنوکه در صفحه چهار آن مذکری از
بحرین بوده و جزیره نامبرده را جزو نقاط مستقل قلمداد
کرده با رو نوشت اعتراض اینوزارت مبنی بر اینکه بحرین
جزء لاینفک ایران است و تقاضای اصلاح لازم شده و -
پیش نویس هم با موافقت نظر آنوزارت بوده به پیوست ایفاد

۱۴
مهر

میگردد -

وزیر پست و تلگراف و تلفن

پست و تلگراف و تلفن

۱۹۵۰
۲۸ / ۹ / ۱۲

۴۴۰۴۹
۲۹ / ۹ / ۱۲

۹-۹۵۴

تلفن

سند شماره ۸: ۴۷-۵۱-۱۸/۴-۱۳۲۹ش

نوع ۵۲۳



**Ministère des Postes
Télégraphes et Téléphones.
d' Iran**

Date :

No

Direction Générale des Télégraphes

Télégramme pour.....

RECEVE

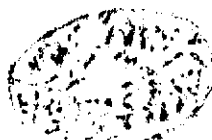
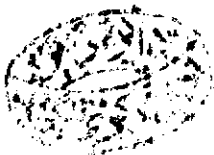
RECEVE

RECEVE

۹/۹/۱۱

et indication dans leur page quatre de
ceux Circulaire No. 634 du 7 novembre 50
concernant l'abréviation postale, voir notre télé-
gramme 12745/10 du 6 avril 1948 ainsi qu'ensui-
vant l'abréviation postale internationale de l'Iran.
rière faire correction nécessaire à ce
sujet etc; votre ref. No. 6052/61-11

Ministère des P.T.T.



سند شماره ۹: ۱۰۵۶-۱۰۹۸-۵۴-۱۳۴۹ش



وزارت امور خارجه

اداره اطلاعات و مطابحات

ششمین نشریه

شماره ۳

بتاریخ ۱۳۴۹/۱/۹

مثن بیانات جناب آقای ارد شیرزاد عبدی وزیر امور خارجه در جلسه علنی مورخ نهم فروردین هجری

۱۳۴۹

نمایندگان محترم:

در عرضی که امروز ترا هم شده است اجازه می‌خواهم به مقتضای بودایفه خود اقدامات دولت را پیرامون
کوششهایی که در ریاههای اخیر برای حل مسئله بحرین بر اساس ریخت طرح قانونی و در نیابند بعمل آمده است
با اطلاع برسانم.

بطوریکه نمایندگان محترم اطلاع دارند بحرین حدود ۱۵۰ سال است که در اثر سیاست استعمارری انگلستان
به بیانه‌هایی از ایران جدا شده و قدرتی استعمار را از آن زمان تاکنون مانع برگشتن بحرین به سرزمین ایران کرده
است.

البته ایران در طول این مدت هیچگاه از حقوق تاریخی خود نسبت به بحرین انصراف نکرده است
و موثقیتی جهت ریفا سبات در جانب و نه در محافل بین المللی به روش انگلیس در مورد انتزاع این جزیره اعتراض
نموده و اعلام داشته است که حقوق خود را در باره بحرین همیشه محفوظ میدارد. انگلستان در اجرای سیاست
استعماری خود از سال ۱۸۲۰ (۱۲۳۶ قمری) بمنظور اعمال نفوذ در ضلع فارس مداخلاتی را بشیوخ
بحرین تحمیل کرد و با وجود اعتراضات پی در پی ایران در سال ۱۸۶۱ (۱۲۷۸ قمری) حاکم بحرین را -
و اداریه‌های سندی کردن که ضمن اعلام استقلال بحرین این جزیره را تحت الحما به انگلیس قرار میدهد و از ایمن
ظریق سعی کرده اختلات خود را در بحرین قانونی جلوه داد و مواعرات و ایستکی این جزیره را پیران قسطح
نماید. در قیال سیاست انگلیس در دولت ایران از تلاش برای نیابند بین حقوق خود در بحرین منصرف نشده
و مکتوبات رمز اکرانی که متعاقباً بعمل آمد از جمله نامه‌های متبادله در لندن بین وزیر امور خارجه انگلیس

پرونده ۱۳۴۹

- ۲ -

و نماینده دولت شاهنشاهی در ۱۸۶۹ (۱۲۸۶ شمسی) گواه این واقعیت است.
این اعتراضات و اقدامات تا قبل از جنگ بین‌المللی اول همچنان ادامه یافت. پس از تأسیس جامعه مصلحت
که فصل جدیدی را در مناسبات بین‌المللی نوید میداد دولت شاهنشاهی مسئله بحرین را در آن سازمان
مطرح نمود.

در دوران جنگ بین‌المللی دوم نیز تخطی نسبت به حاکمیت ایران در بحرین بی‌جواب گذاشته نشده و پس
از تشکیل سازمان ملل متحد در فروردین ۱۳۰۰ برای اعلام نظر دولت ایران نسبت به بحرین مستقیم شده
اما با تمام کوششهایی که بعمل آمد این مشکل تا امروز همچنان بجای ماند. ولی اکنون با توجه به تحولات فعلی
و آینده خلیج فارس ضرورت حل این مشکل در برین بیشتر از هر موقع دیگر احساس میشود.

بطوریکه نمایندگان محترم اطلاع دارند دولت انگلستان در سال ۱۹۷۱ از خلیج فارس خارج خواهد شد
و شاید تصور شود که در آن هنگام موانع عملی بازگرفتن بحرین مرتفع شده است و پس از خروج انگلیس دولت
ایران میتواند با اعزام قوا این جزیره را تصرف کند. ولی باید توجه داشت که ممکن است طی این مدت دولتی
در ترکیب جمعیت بحرین تغییراتی صورت گرفته باشد که در اقبال باطنی اکثریت اهالی آنجا تاثیر نموده و
دولت شاهنشاهی اکنون از چگونگی آن آگاه نباشد.

بر اساس همین ملاحظات بود که شاهنشاهی آریا مهر طی مصاحبه مطبوعاتی مورخ ۱۴ به ماه ۱۳۴۷ در دلی نو
خط منسی منطقی و دنیایسندی را که ایران بایستی برای حل مشکل بحرین انتخاب میکرد با این بیسبان
حکیمانه مشخص فرمودند:

"ایران بی‌وسه باین سیاست خود را بستگی نداشته است که هرگز برای بدست آوردن اراضی و امتیازات
ارض علی‌رغم تحایل مردم آن ساله آن بزور متوسل نشود. من میخواهم بگویم که اگر مردم بحرین مایل نباشند
به کشور ما ملحق شوند ما هرگز بزور متوسل نخواهیم شد زیرا این خلاف اصول سیاست دولت ما است که پسرای
گرفتن این سرزمین بزور متوسل شود."
شاهنشاهی اشدافرمودند:

"گرفتن و حفظ کردن سرزمینی که مردم آن با ما ماضدیت داشته باشند چه فایده‌ای خواهد داشت
فیل از هر چیزی این عمل اشتغال محسوب میشود. در هر اثنالی شما باید مراقب سلامت و امنیت نیروهای

- ۳ -

انفکال کرده و با شید و در تمام اوقات سرانجام شما باید در خفا با آنها با بریدند و بیوسته در بعضی روزها خطر کلوله نارنجک را این قبیل مخاضرات باشند .

سیاست و فلسفه ما این است که با انفعال و گرفتگی سرزمینهای دیگر نظریه زور مخالف با سیم " شاهنشاه آریامهر آنگاه در بحرین نحوه تحویل اراده و کسب اموال واقعی اعمالی بحرین چنین نرمودند :

" هرکاری که بتواند اراده سرزمین بحرین را بنوعی که نژاد ما و شما و همه جهان بر سمیت شناخته شود نشان دهد خوب است ."

از این رو انتخاب راه قانونی و منطقی - حل مسئله بحرین مورد توجه قرار گرفت و پس از مطالعات لازم در دولت تصمیم گرفت که در این مورد به سازمان ملل متحد که تنها مرجع حل اختلافات بین المللی است متوسل گردید و مسئولیت کسب نامیل باطنی و اموال واقعی اعمالی بحرین را با این سازمان جهانی که مورد قبول تمام ملل است واگذار نماید . و با این ترتیب مشکل بحرین را طبق اصول منشور ملل متحد که اصل حل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی از موازین اساسی آن است فیصله داد . برای تأمین این هدف مذاکراتی با دولت انگلستان بعمل آمد و سرانجام آن دولت هم این راه حل عادلانه و منطقی را پذیرفت و در نتیجه باید آن اختیار نام به او تانت از د بیرکل سازمان خواسته شد که مساعی جمیله خود را برای تحویل اموال واقعی اعمالی بحرین به نفعی که صلاح و مقننی بدانند میذول داشته و نتیجه را بشورای امنیت سازمان ملل متحد گزارش دهد . و شرط آنکه این گزارش مورد تصویب شورای امنیت قرار گیرد . برای دولت انگلستان شاهنشاهی هم قابل قبول خواهد بود . البته هرگاه اکثریت اعمالی بحرین خواستار الحاق بایستوران باشند دولت شاهنشاهی هرگونه مشکلات را در حل خواهد کرد تا بخواست قلبی آنان جامعه عمیصل بیوشاند . د بیرکل سازمان ملل متحد با این درخواست موافقت نمود و نظار نمود راه اثر به قبول ایست پیشنها نطنی اعلام میداد که چند ساعت قبل انتشار آنه ابراز داشته و قرار است نماینده خود را جهت تحصیل اموال و نظارات واقعی اعمالی بحرین قریباً " بعمل اعزام دارند .

امید است زرضی که بر اساس اصول منشور ملل متحد و مبانی منطقی و دنیایسند برای حل این مشکلی اختیار شده از جهت تحصیل آزاده نظارات و کشف نیات واقعی اعمالی بحرین به نتیجه رسید هر آنگاه معنوی این اقدام دولت شاهنشاهی در تحقق اهداف عالیها ایران که همان حفظ امنیت و ثبات منطقه خلیج فارس باشد متجلی کرد .

سند شماره ۱۰

سفارت کبرای شاهنشاهی ایران
 لندن

تلگراف کشف وارده از وزارت امور خارجه
 شماره و تاریخ ۲۷۸۲ - ۴۹,۲,۲۲
 امضاء معاون مطبوعاتی

۱۹۰ -
 ۱۹۰ -

متن :

سفارت کبرای شاهنشاهی ایران - لندن

مادیه لندن در خبر امروز صبح (طهارت) است که در این وقت
 منته است به از خروج نیروهای (طهارت) که در این وقت
 میبود و حال آنکه در قطعنامه سفارت انبیت ذکر از جمله عربی نشده است
 نوعی هستند است دستور فرمایید (تمام لازم) معادل و نتیجه را اعلام نمایند.

اسفند

تمام محرم سفارت در این باره با اداره مطبوعاتی

بگذاشته شد
 ۴۹/۱۲/۲۴

تاریخ	۱۲۹۵
شماره	۴۹/۲/۲۲
موضوع	

سفارت کبرای شاهنشاهی ایران لندن

تگراف کشف وارده از وزارت امور خارجه

شماره و تاریخ ۲۷۸۵ - ۲۲ / ۲ / ۴۹

امضاء معاون مطبوعاتی

تن :

سفارت شاهنشاهی ایران - لندن

رایجو لندن در خیر امروز صبح انگلیسی اظهار داشته است که شورای امنیت موافقت نموده است پس از خروج نیروهای انگلیسی از تلح فارس ، بحرین یک کشور مستقل عربی میشود و حال آن که در تملنامه ی شورای امنیت ذکری از کلمه عربی نشده است . خواهشمند است دستور فرمایید اقدام لازم معمول و نتیجه را تگراف نماید .

اسفند یاری

ا.حاشیه سند: مقام معترم سفارت در این باره ابامری صادر فرمایند بایگانی شود .

شماره ۴۹۲۲۲

کتابنامه

- زرین قلم، علی، سرزمین بحرین، تهران: نشریه کنسروشی سیروس، ۱۳۳۷.
- ظهیرنژاد ارشادی، مینا، گزیده اسناد خلیج فارس، ج ۵، چ اول، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۵.
- فرهمند، علی، «نقدی تاریخی بر تحریکات انگلیس و دعاوی برخی اعراب در خلیج فارس»، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، ش ۲۴ و ۲۵ (پاییز و زمستان ۱۳۸۴)، ص ۱۴۰.
- موحد، محمد علی، مبالغه مستعار، چ اول، تهران: کارنامه، ۱۳۸۰.
- نشأت، صادق، تاریخ سیاسی خلیج فارس، تهران: شرکت نسبی کانون کتاب، ۱۳۴۴.

اسناد

۱. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، اسناد قدیمه، سند شماره: ۲۳۴ تا ۲۵۰ - ۱۷ - ۵۳ - ۱۳۱۳ ش.
۲. همان، سند شماره: ۱-۳۳-۱۳۳۰ ش.
۳. همان، اسناد نمایندگی لندن، ۱۵۰۶ - ۹۸ - ۴۹ - ۱۳۵۴.
۴. همان، اسناد قدیمه، سند شماره: ۹۹-۱۵۷/۳۳-۱۹-۱۳۱۲ ش.
۵. همان، سند شماره: ۱۰۰-۱۵۷/۳۳-۱۹-۱۳۱۲ ش.
۶. همان، سند شماره: ۱۰۵-۱۷-۵۳-۱۳۱۳ ش.

۷. همان، سند شماره: ۴۱-۱۷-۵۳-۱۳۱۳ ش.
۸. همان، سند شماره: ۶۹-۵۱-۱۸/۴-۱۳۲۹ ش.
۹. همان، سند شماره: ۵۹-۵۱-۱۸/۴-۱۳۲۹ ش.
۱۰. همان، سند شماره: ۴۸-۵۱-۱۸/۴-۱۳۲۹ ش.
۱۱. همان، سند شماره: ۴۷-۵۱-۱۸/۴-۱۳۲۹ ش.
۱۲. همان، اسناد نمایندگی لندن، سند شماره: ۱۵۰۶ - ۹۸ - ۱۳۵۴-۴۹.
۱۳. همانجا.
۱۴. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، اسناد نمایندگی کویت، سند شماره: ۸ - ۸ - ۵۳ - ۱۳۴۹ ش.





ثروءشكاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی